

## بررسی رابطه بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان (مقایسه تطبیقی دو محله ونک و سرآسیاب)

منصوره اعظم آزاده<sup>۱</sup>، مریم قاضی نژاد<sup>۲</sup>، آرزو صادقی ولنی<sup>۳\*</sup>

### چکیده

با ورود به هزاره جدید، جهان شاهد رشد جمعیت و شهرنشینی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است. این روند موجب توسعه شهرنشینی، گسترش کلان شهرها و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی شده است. ظهور چنین شهرهایی همراه با بروز مسائل مختلف شهری، از قبیل: گسترش حاشیه نشینی، افزایش جرایم اجتماعی و در مجموع کاهش امنیت اجتماعی بوده است. در این میان، زنان دغدغه های خاص خود را دارند. این مطالعه درصدد بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان ساکن در محلات ونک و سرآسیاب است. مدل نظری تحقیق (با الهام از دیدگاه نظریه پردازانی همچون گیدنز، پارسونز، اسکوگان و پین) از مجموعه ای از متغیرهای اثرگذار بر احساس امنیت در محله تشکیل شده است. این متغیرها شامل متغیر موقعیت محله به منزله متغیر مستقل و نظم و اعتماد به منزله متغیر پیونددهنده موقعیت محله و احساس امنیت است. به منظور بررسی تجربی مدل تحقیق، از روش پیمایش و تکنیک پرسش نامه به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. جمعیت نمونه این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شد که متشکل از ۲۷۰ نفر از زنان ساکن در محله ونک و سرآسیاب است. نتیجه بیانگر تفاوت احساس امنیت زنان براساس موقعیت محله است. نتایج ضریب رگرسیونی چندمتغیره نشان داد در هر دو محله، موقعیت محله در ابعاد کالبدی- فیزیکی و غیرکالبدی- اجتماعی و اعتماد بین شخصی بر احساس امنیت ساکنان تأثیرگذار است و آنچه سبب تمایز احساس امنیت در این دو محله می شود، اثر نظم فیزیکی (بتا ۰۵۱ درصد)، اعتماد تعمیم یافته (بتا ۰۱۵ درصد) و اعتماد بنیادی (بتا ۰۱۰ درصد) در محله ونک و نظم اجتماعی (بتا ۰۲۷ درصد) در محله سرآسیاب است.

### کلیدواژه‌ها

احساس امنیت، اعتماد، محله، موقعیت نظم.

maazadeh@yahoo.com

ghazinejad\_m@yahoo.com

Arezou.sadeghi92@gmail.com

۱. دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه الزهراء(س)

۲. دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه الزهراء(س)

۳. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

## مقدمه و طرح مسئله

موضوع امنیت از موضوعات مهم و قدیمی مربوط به زنان است. امنیت زنان، چنان دامنه گسترده‌ای از باورها و رفتارهای متفاوت را ایجاد می‌کند که اندیشمندان سیاست، حقوق، بهداشت و درمان، فرهنگ و اقتصاد را بر سر دوراهی‌های انتخاب به تفکر واداشته و بیش از یک سده موضوع بحث‌های فراوان قرار گرفته است. وجود امنیت اجتماعی بین گروه‌های اجتماعی زنان، از بعد روان‌شناختی، عبارت است از احساس اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده. تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و... احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهند کرد. دغدغه احساس ناامنی از خود ناامنی مهم‌تر است. وقوع یک جرم یا پدیده ناامنی ممکن است یک یا دو قربانی داشته باشد، اما همین حادثه ممکن است هزاران نفر را بترساند و شیوه تفکر آنان را تغییر دهد [۲۹، ص ۵]. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان و کیفیت زندگی آنان مؤثر واقع شوند.

در شهر امن، ایمنی در فضاهای شهری تأمین می‌شود و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و فقدان خطر می‌کند. امروزه گسترش شهرنشینی موجب پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و بروز ناامنی در محلات مسکونی به‌خصوص برای زنان شده است. محلات و مناطق شهری به‌واسطه تجمع، هم‌نشینی و گوناگونی خرده‌فرهنگ‌ها، به گونه‌ای عرصه اشکال و رویه‌های مختلف زندگی شده که عملاً توافق همگانی را در پذیرش هنجارهای اجتماعی و محله‌ای غیرممکن کرده است. این امر موجب شده موقعیت و کیفیت محله بر رضایت خاطر افراد درباره ایمنی و نیز رضایت خاطر از محیط فیزیکی آن‌ها تأثیر گذار باشد.

امروزه، جرم و احساس ناامنی برای زنان در محلات شهری، از دغدغه‌های اصلی شهروندان به‌شمار می‌رود. نتایج برخی تحقیقات مؤید این مطلب است. نظرسنجی سال ۱۹۹۸ از شهروندان پاریسی نشان می‌دهد: آلودگی (هوا و صوتی) با ۶۲ درصد، ازدیاد پناه‌جویان با ۶۰ درصد، ناامنی با ۴۴ درصد و بزهکاری با ۴۸ درصد از مشکلات عمده آنان است [۲۵، ص ۴۲]. نظرسنجی در هشت شهر بزرگ ایران (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان و مشهد) به منظور تعیین میانگین احساس امنیت آنان نشان داد، ۸۱ درصد ساکنان در این شهرها احساس ناامنی می‌کنند [۱۲، ص ۳۵]. بررسی‌های جکسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در انگلستان نشان می‌دهد که حداقل برخی از جنبه‌های مفهوم آسیب‌پذیری می‌تواند سطوح متفاوت ترس از جرم و ناامنی را بین گروه‌های سنی و جنسیتی توضیح دهد. بونتی و پاسکال<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) معتقدند که زنان و دختران فرانسوی از

1. Jackson  
2. Bounty And Pascal

زندگی کردن در مکان‌هایی که مطابق آمارهای رسمی جرم و ناامنی در آن‌ها زیاد است، و به اسم محله‌های مسئله‌دار شناخته می‌شوند، خودداری می‌کنند. بل<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با مطالعه زنان استرالیایی معتقد است که زنان به‌طور عام از مواردی نظیر بیرون‌رفتن در شب، موقعیت‌های ابتدایی یا انتهایی در سفرهای حمل‌ونقل عمومی مثل منتظرماندن در یک ایستگاه اتوبوس یا پیاده‌روی از یک ایستگاه به سمت ماشین پارک‌شده، استفاده از پارکینگ‌های مرکز شهر، به‌ویژه در شب و در طبقات، و رانندگی تنها در شب واهمه دارند [۲۶، ص ۵]. بنابراین، می‌توان گفت که امنیت اجتماعی یکی از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از پیامدهای مهم امنیت به‌شمار می‌روند. در این میان، فضاهای شهری از جمله مؤلفه‌هایی هستند که ناهنجاری‌های اجتماعی در بستر آن‌ها به وقوع می‌پیوندد.

با توجه به مستندات موجود در رابطه با وجود امنیت در مناطق مختلف در شهر تهران، به نظر می‌رسد که موقعیت محله و مناطق تهران در ایجاد احساس امنیت برای زنان نقش کلیدی و مؤثری دارند. لذا می‌توان این مناطق را بر پایه کیفیت امنیت شهری و احساس امنیت طبقه‌بندی کرد. در برخی از مناطق تهران، که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد، شرایط زندگی اجتماعی مردم دچار مشکلات جدی شده است. به دلیل فعالیت کاری پژوهشگر در محله سرآسیاب و احساس ناامنی که از دیگران به محقق منتقل شد، تصمیم گرفته شد که میزان احساس امنیت ساکنان محله سرآسیاب با محله امن دیگر (ونک) مقایسه شود. برخی ویژگی‌هایی محله سرآسیاب عبارت‌اند از: تراکم جمعیتی بالا، قطعات کوچک مسکونی، فرسودگی و فشردگی بیش از حد بافت، شبکه معابر کم‌عرض، ساکنان کم‌درآمد و تنگی و خلوتی کوچه‌ها و حضور معتادان. درحالی‌که موارد ذکرشده در محله ونک به‌ندرت مشاهده می‌شود. وجود موارد یادشده به همراه سایر عوامل مرتبط، زنان ساکن در محله را با مشکلاتی مواجه کرده است؛ همچون پایین بودن وضعیت امنیت شهری در محله و احساس ناامنی در بین آنان. به همین دلیل، به منظور بررسی و مقایسه امنیت شهری در این دو محله، پژوهش حاضر، ضمن روشن کردن ابعاد مختلف امنیت شهری، با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی، برنامه‌ریزی شهری، نظریه‌های خاص زنان در زندگی شهری و عرصه عمومی و سایر آرای مرتبط در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا احساس امنیت زنان در زندگی شهری تابع بافت و موقعیت ویژه محلات شهری است؟ بستر مادی و ساختار اجتماعی محلات شهری از طریق چه سازوکاری بر احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر می‌گذارد؟ بدین ترتیب، هدف از انجام این تحقیق، شناخت و مقایسه میزان احساس امنیت زنان در دو محله سر آسیاب و ونک و همچنین بررسی میزان ارتباط بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها و سازوکارهای پیونددهنده آن است.

## پیشینه پژوهش

در مرور ادبیات تجربی، به منظور روشن شدن حیطة موضوعی تحقیق، خلاصه‌ای از چند تحقیق گزارش می‌شود. علی رضوان (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که متغیرهای سن، تعداد خانوار در واحد مسکونی و میزان شناسایی محله از سوی افراد مطالعه‌شده عموماً در احساس ناامنی ساکنان تأثیرگذار نیست؛ اما متغیرهایی همچون مدت زمان سکونت در محل و احساس تعلق مکانی افراد مطالعه‌شده، به‌طور معناداری در احساس ناامنی آن‌ها مؤثر است. نتایج بررسی به‌عمل‌آمده نشان می‌دهد که احساس ناامنی ساکنان، به ترتیب، متأثر از جرایم خرید و فروش مواد مخدر، وجود اراذل و اوباش، مصرف مواد مخدر و حضور معتادان در محل، مزاحمت برای نوامیس مردم و نزاع و درگیری بوده است. سارا ستوده (۱۳۹۰) در پژوهش خود وجود رابطه معناداری را بین میزان اعتماد ساکنان به یکدیگر، میزان مشارکت ساکنان در حل مشکلات محله، نترسیدن از رخدادهای جرایم و شاخص‌های کالبدی همچون ساختار محله، نحوه دسترسی‌ها، کیفیت ساختمان‌ها، تعداد طبقات و احساس امنیت به تأیید رسانده است. مریم مختاری و همکاران (۱۳۹۱) این‌گونه می‌نویسد که رابطه مستقیم و معناداری بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، اعتماد اجتماعی، میزان دین‌داری، نگرش مثبت به عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. در بین این متغیرها نیز، اعتماد اجتماعی با ۳۲ درصد بیشترین سهم را در تبیین احساس امنیت اجتماعی داشته است.

استانکو الیزابت<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «جغرافیای ترس زنان» به بررسی رابطه بین ترس زنان از خشونت مردان و درک و استفاده آن‌ها از فضا، با در نظر گرفتن اینکه چگونه فضای عمومی به‌وسیله گروه‌های مختلف در زمان‌های مختلف اشغال و کنترل می‌شود، در کشورهای انگلستان و ولز می‌پردازد. نتایج حاکی از این است که در زنان ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن سه برابر مردان است. وی دلایل این امر را ناتوانی جسمی زنان، تجارب اولیه زندگی، وظایف مادری، ترس از دنیای بیرون و ترس معقول آن‌ها می‌داند. زنان عموماً از نظر توان جسمی در سطحی پایین‌تر از مردان قرار دارند و این امر در نزاع‌های و درگیری‌ها باعث می‌شود در بیشتر موارد مغلوب باشند. استین<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «تأثیر شرایط محله‌ای بر درک ایمنی» به بررسی متغیرهای کمی و کیفی رابطه بین شرایط محله و مفهوم ایمنی پرداختند. نتایج نشان داد که کیفیت مسکن و محله بر رضایت خاطر افراد درباره ایمنی و نیز رضایت خاطر از محیط فیزیکی آن‌ها تأثیرگذار است. کارکس<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که جنسیت (بتا ۷۸۳ درصد در شهر و ۶۵۹ درصد در روستا)، تجربه بزه‌دیدگی (بتا ۳۶۱ درصد در شهر

1. Elizabeth Stanko  
2. Stein  
3. Karaku

و ۵۸۷ درصد در روستا)، بی‌نظمی (بتا ۱۶۰ درصد در شهر و ۳۴۷ درصد در روستا)، انسجام اجتماعی (بتا ۱۷۷ درصد در شهر و ۲۳۱ درصد در روستا) و در نهایت رضایت از سازمان‌های اجرایی قانون (بتا ۳۲۸ درصد در شهر و ۲۳۸ درصد در روستا) رابطه معناداری با میزان ترس از جرم و احساس امنیت در مناطق شهری و روستایی داشته‌اند. هینکل<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه خود با عنوان «معناسازی و آزمون اعتبار نظری، نظریه پنجره‌های شکسته در ارتباط با ترس از جرم اختصاص» به این نتیجه رسید که بی‌نظمی اجتماعی و بی‌نظمی فیزیکی بیشترین اثر مستقیم را در پیش‌بینی ترس از جرم داشته‌اند. فرگوسن و میندل<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان دادند که متغیرهای تجربه بزه‌دیدگی، بی‌نظمی محله‌ای، رضایت از همسایگان، درک از خطر جنس و نژاد، متغیرهای اثرگذار بر میزان احساس امنیت و ترس از جرم‌اند.

بیشتر تحقیقات داخلی انجام‌شده در این حوزه اگرچه از حیث روش‌شناسی و قابلیت تعمیم پذیرفتنی‌اند، هر یک جنبه‌ای از فضای مفهومی امنیت اجتماعی را بررسی و ارزیابی کرده‌اند و احساس امنیت را در معنای امنیت عینی (فقدان جرم و تهدیدات مالی و جانی) برای افراد جامعه سنجیده‌اند و از آن طریق به اندازه‌گیری میزان احساس امنیت پرداخته‌اند. بیشتر این تحقیقات با نگاه افراد در حوزه‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری انجام شده است و چندان مورد کنکاش جامعه‌شناسان قرار نگرفته است. در این کار پژوهشی، بنا بر آن است که احساس امنیت اجتماعی با ابعادی همچون امنیت جانی، مالی، فکری و جمعی سنجیده شود و نیز تأثیر موقعیت محله، نظم و اعتماد در تأمین امنیت اجتماعی در دو محله ونک و سرآسیاب باهم مقایسه شود.

## مبانی و چارچوب نظری

نظریه‌های جامعه‌شناسی ابزارهایی‌اند برای طرح پرسش‌های مهم، تفسیر اطلاعات و داده‌ها، تنظیم اهداف تحقیق و نیز انتخاب راهبردهای دستیابی به اهداف مورد نظر که به یاری محققان و پژوهش‌گران می‌آید. بدیهی است که هیچ‌یک از نظریه‌ها به‌تنهایی به تبیین همه مسائل و موضوعات اجتماعی قادر نیستند و در بهره‌گیری از آن‌ها باید جانب احتیاط و تأمل را نگه داشت [۵، ص ۱۲۵]. در این پژوهش، هم نظریه‌های جامعه‌شناسی (امنیت و محله) و هم نظریه‌های مربوط به شهرسازی بررسی شده است. شایان ذکر است که در شهرسازی و طراحی محیط بیشتر نظریه‌ها به شرایط کالبدی و فضای اجتماعی محله پرداخته‌اند.

پارسونز «جامعه را متشکل از اجزایی می‌داند که اصطلاحاً پایگاه نقش‌ها می‌شود» [۲۰، ص ۶۵]؛ بنابراین، وقتی خرده‌سیستم‌ها به ایفای نقش‌های خویش بپردازند و آسیبی متوجه آنان نباشد، همچنین امکان کسب فرصت‌ها برای انسجام آنان فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار

1. Hinkel  
2. Ferguson and Myndl

می‌شود. پارسونز برای امنیت اجتماعی، چهار بعد قائل است که هریک از آن‌ها به یک خرده‌سیستم جامعه مربوط می‌شوند و از برابری برخوردار می‌توان به تحقق امنیت در سطح جامعه امید داشت. امنیت مالی و اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی و فرهنگی، به ترتیب در نظام فکری پارسونز ضروری‌اند و هریک جایگاه خاصی دارند. فقدان هریک از این ابعاد، روند سیبرنتیکی را دچار اختلال و دنیای کارکردها را مختل می‌کند و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشان حالی می‌کند [۱۹، ص ۲۵].

جیمز کیو ویلسون و جورج کلینگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) معتقدند محله‌هایی که در آن‌ها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی، نظیر انباشتگی زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون، ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته، وجود دارد، جرم و بزهکاری نیز بیشتر است. همچنین، در نگاه این نظریه، ساکنان این نوع از محلات، احساس امنیت کمتر و آسیب‌پذیری بیشتری دارند و قصدی برای مشارکت و محافظت از محله خود نیز ندارند. در این منظر، بی‌نظمی در اجتماع به احساس ناامنی، کناره‌گیری ساکنان از اجتماع، کاهش میزان کنترل اجتماعی غیررسمی و در نهایت افزایش فراوانی و شدت بی‌نظمی و جرم منجر می‌شود. از نظر این محققان، شاخص‌های بی‌نظمی (مثل پنجره‌های شکسته، افراد ولگرد و...) اگر به حال خود رها شوند، می‌توانند موجب افزایش جرم شوند. بی‌نظمی مهارنشده، ساکنان را هراسان می‌کند و به این نتیجه می‌رساند که هنجارها و رفتارها به گونه‌ای از هم گسیخته و کنترل اجتماعی در همسایگی به میزانی از میان رفته است که دیگر مقامات رسمی و انتظامی قادر به رفع آن نیستند [۲۵، ص ۱۶].

جکوبز<sup>۲</sup> معتقد است محله‌هایی که کاربردهای متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند نسبت به محله‌های تک‌کاربرد، امن‌ترند. نواحی چندکاربردی در طول روز و شب شهروندان را به خود جلب می‌کند و نظارت رسمی را موجب می‌شوند. در نظر جکوبز، محلات شهری بخشی از جریان زندگی شهری است و تحرک و سیالیت کاربردی در آن‌ها می‌تواند فضای شهری خاصی را شکل دهد. یکی از تأثیرات مخلوط اجتماعی، این است که مردم را در زمان‌های مختلف به خیابان می‌کشاند. کارگران و کودکان صبح خارج می‌شوند و دیرتر برمی‌گردند. مغازه‌دارها در طول روز به فعالیت مشغول‌اند. رفت‌وآمد تفریحی در غروب و پیاده‌روی نیز هیئتی اجتماعی به خیابان داده و آن را به مدار بزرگ‌تر زندگی شهری پیوند می‌زند [۲، ص ۲۰]. جین جکوبز جوهر زندگی را در میزان تنوع و تکرار و انتخاب آن می‌داند که این عوامل در کنار یکدیگر، بستر زندگی و امنیت آن را تأمین می‌کند.

سمپسون<sup>۳</sup> از نظریه‌پردازان رویکرد اجتماعی معتقد است که وجود ارزش‌های مشترک مستحکم، پیوندهای اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان

1. James Q. Wilson and George Klingon

2. Jakobs

3. Sampson

مناطق و محله‌های شهر، می‌تواند باعث توسعه احساس امنیت در افراد شود و در مقابل در شرایطی که در محلات کنترل اجتماعی به ویژه کنترل‌های غیر رسمی و پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی تضعیف شوند به طور قطع احساس ناامنی در افراد افزایش خواهد یافت. به نظر او غیر ممکن است که بتوان در فضای اجتماعی که مقررات و پیوندهای اجتماعی با ابهام مواجه بوده و مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد هستند و تعاملی با یکدیگر ندارند احساس امنیت وجود داشته باشد [۳۲، ص ۵۶].

اسکوگان<sup>۱</sup> با اشاره به زوال ظاهری یک محله، بیان می‌دارد که ظاهر نامناسب هر محله می‌تواند بر نگرش و رفتار ساکنان آن تأثیر گذارد. در این صورت، ساکنان می‌توانند با توجه به کیفیت منازل محله، رفتار نامناسبی نیز از خود بروز دهند. در این فرایند، رفتار منفی و فروپاشی و زوال محله، بر هزینه‌های مرمت و نگهداری تأسیسات و مستغلات محله می‌افزاید. بنابراین، به نظر می‌رسد فرایند مذکور به نوعی با فرایندهایی دیگر، نظیر ادراک خود و انگ‌زدن به مناطق، در ارتباط و پیوند قرار می‌گیرد و روند زوال محله را تسریع می‌بخشد.

در همین زمینه، بوریسک و گراسمیک<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) استدلال می‌کنند، بی‌نظمی تهدیدی جدی برای زیست‌پذیری محلات مسکونی است. نظریه سمپسون را نظریه‌پردازان دیگری نیز مطرح کرده‌اند. روس و جانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نیز دیدگاه مشابهی را مطرح می‌کنند و معتقدند بی‌نظمی در واحدهای همسایگی، وجود جنایت و بزهکاری، ویرانگری، رنگ‌پاشی بر دیوارها، پرسه‌زنی، شلوغی و مصرف مواد مخدر موجب میزان بالایی از ترس و بی‌اعتمادی در میان ساکنان شده و در تعاملات اجتماعی، عکس‌العمل منفی آن‌ها را به همراه می‌آورد. در این صورت، ممکن است سکنه از تعامل با همسایگان اجتناب کنند، از شرکت در فعالیت‌های محلی پرهیز کنند، یا حتی در صورت امکان، محله مسکونی خود را ترک گویند. روس و جانگ به نوع قضاوت مردم از انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی، جکسون<sup>۴</sup> به اعتماد اجتماعی و مشارکت در بین مردم و بانستر<sup>۵</sup> به انسجام، کارایی و همبستگی اجتماعی در روابط اجتماعی ساکنان محلات شهرها به‌منزله متغیرهای تأثیرگذار بر احساس ناامنی تأکید کرده‌اند.

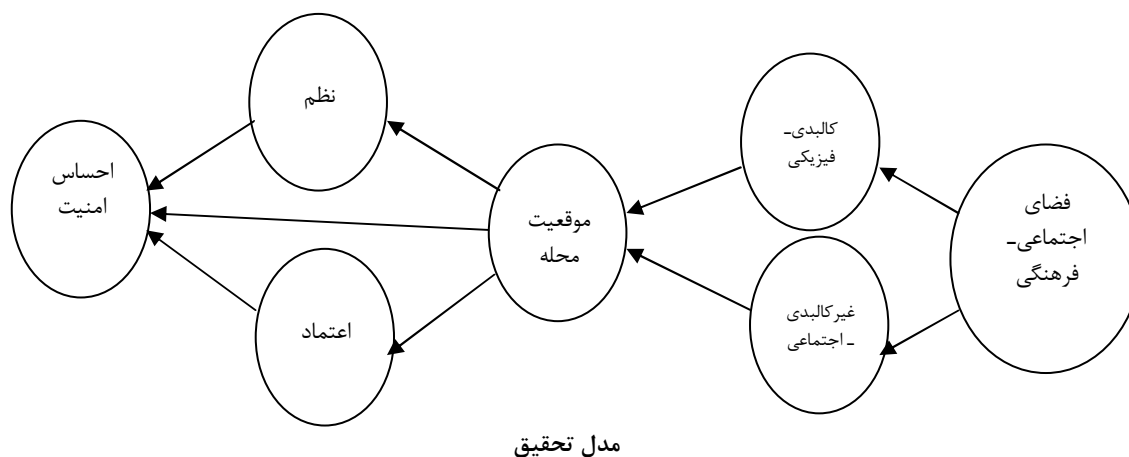
گیدنز<sup>۶</sup> برای بررسی اعتماد، آن را در ارتباط نزدیک با مخاطره در نظر گرفته است و به مقایسه شرایط اعتمادی جهان مدرن با جهان سنتی می‌پردازد. شرایط روابط اعتماد در فرهنگ‌های دوران سنتی با همین روابط در جهان مدرن، تفاوت‌های بنیادی دارد. چهار زمینه محلی اعتماد بر فرهنگ‌های سنتی مسلط‌اند: نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت.

- 
1. Skogan
  2. Borysik And Grasmik
  3. Russian And Jang
  4. Jakson
  5. Banister
  6. Giddens

این چهار زمینه اعتمادی بنیان امنیت و احساس امنیت افراد را می‌سازد. با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، میان اعتماد و مخاطره، امنیت و خطر نوعی تعادل برقرار شده است. در دوران مدرن، تأثیر سه نیروی بزرگ و پویای مدرنیت، یعنی جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های ازجاکنندگی و بازاندیشی نهادی، برخی از صورت‌های بنیادی روابط اعتماد را از صفات محیط‌های محلی جدا می‌کند. اعتماد به نظام‌های انتزاعی شرط فاصله‌گیری زمانی-مکانی و حوزه‌های گسترده امنیت در زندگی روزمره است که نهادهای مدرن در مقایسه با جهان سنتی ارائه می‌کند. بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیرشخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس، برای امنیت وجودی در شرایط مدرنیت‌نقشی تعیین‌کننده دارد و برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر می‌شوند. او بین اعتماد میان افراد و اعتماد به نظام‌های انتزاعی تمایز قایل می‌شود. ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی، به‌ویژه نظام‌های تخصصی، وابسته است. اهمیت این قضیه از این نظر است که هیچ‌کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. در اعتماد به نظام‌های تخصصی، «طرز رفتار مجریان نظام»، «اطمینان به دانش یا مهارت‌هایی که افراد غیرمتخصص هیچ‌گونه دسترسی مؤثری به آن ندارند»، «تجارب ما از نقاط دسترسی» و همچنین «دانش‌هایی که از طریق رسانه‌های ارتباطی به ما می‌رسند» مهم‌اند.

پین<sup>۱</sup> بر این باور است که بی‌نظمی کالبدی (وجود زمین‌های خالی و مخروبه، آراستگی و نظافت محله، دیوارنویسی، روشنایی، تنگی و خلوت‌بودن و شلوغ‌بودن کوچه) و بی‌نظمی اجتماعی (وجود ول‌گردان خیابانی و گروه‌های خلاف‌کار، فروش مواد مخدر و مشروبات، وجود افراد بی‌خانمان) از عواملی است که بر احساس امنیت تأثیرگذار است. معمولاً، ترس از جرم علیه افراد و اموال در یک محله خاص تشدید می‌شود [۳۰، ص ۲۲]. هرچه میزان بی‌نظمی کالبدی و اجتماعی در یک محله بیشتر باشد، احتمال اینکه ساکنان احساس آسیب‌پذیری و اضطراب بیشتری در رابطه با جرم نشان دهند، بیشتر می‌شود. به‌طور کلی، تخریب محیط کالبدی و اجتماعی به دلیل کاهش مرکزیت مراکز شهری، فقدان سرمایه‌گذاری در ساختمان‌ها [۲۷، ص ۳۲۵]، انتقال خانه‌ها به جمعیت اغلب کم‌درآمد بر اثر مکانیسم نقطه تخلیه [۲۱، ص ۲۶۱] و تقسیم مجدد خانه‌های اجاره‌ای به ابعاد کوچک‌تر به منظور جبران شکاف میان اجاره و زمین بالقوه و بالفعل امنیت کاهش می‌یابد. با توجه به پیچیدگی و چندوجه بودن موضوع پژوهش، از چندین نظریه برای به‌دست‌آوردن فرضیه‌ها و مدل تحقیق استفاده شد. در این مطالعه، با یاری‌جستن از آرای جکوبز، متغیر موقعیت محله؛ گیدنز، متغیر اعتماد اجتماعی و پین و اسکوگان، متغیر نظم به‌منزله مجموعه‌ای از متغیرهای اثرگذار بر احساس امنیت اجتماعی در محله استفاده شده است.





مدل تحقیق

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به دیدگاه‌های بررسی شده به منظور تحقق اهداف و جواب‌گویی به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های ذیل از ادبیات پژوهش نتیجه شده است:

- بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد؛
- بین بعد کالبدی-فیزیکی محله و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد؛
- بین بعد غیرکالبدی-اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد؛
- بین نظم و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد؛
- بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

### روش پژوهش

اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش کمی و تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش را زنان بالای ۱۸ سال در دو محله (سرآسیاب، ونک) تهران تشکیل داده‌اند. در این تحقیق، به دلیل فعالیت کاری پژوهش‌گر در محله سرآسیاب و احساس ناامنی منتقل شده از دیگران برای رفت‌وآمد در محله، تصمیم بر این قرار گرفت که میزان احساس امنیت ساکنان محله سرآسیاب با محله‌ای به ظاهر امن در نظر دیگران مقایسه شود. شیوه نمونه‌گیری در داخل دو منطقه (ونک و سرآسیاب) تصادفی چندمرحله‌ای بوده است؛ بدین ترتیب که ابتدا از بلوک‌های داخل محله چند بلوک و سپس برای مراجعه به واحدهای مشاهده شده و جمع‌آوری اطلاعات، از خانه‌های درون هر بلوک، خانه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه با توجه به اندازه واریانس متغیر وابسته همگنی ۰.۰۶ درصد و با ضریب

خطای ۰/۶- تعداد ۲۷۰ نفر از زنان ساکن در دو محله (ونک و سرآسیاب) محاسبه و در نهایت با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره)، میزان‌ها، فرضیه‌ها و روابط موجود در مدل، سنجش و بررسی شد.

### چارچوب مفهومی

**محله:** در ساده‌ترین تعریف عبارت است از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص که ساکنان این خانه‌ها باهم روابط شخصی و تعامل رودررو دارند و میزانی از همبستگی اجتماعی بین آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، محله فضایی اجتماعی جغرافیایی است که محدود و مبتنی بر روابط اجتماعی گرم و تعاملات رودرروی همسایگان است [۱۳، ص ۲۲]. موقعیت محله ممکن است با هریک از جنبه‌ها یا معیارهای ذیل تعریف شود: مناسبات اداری؛ به‌وسیله مرزها و محدوده‌ها؛ زیبایی‌شناسی؛ به‌وسیله ویژگی‌های بارز و قدمت توسعه؛ اجتماعی؛ از دید و نگاه ساکنان در منطقه (وجود ارتباط، حس تعلق، مشارکت، انسجام و همبستگی در محله)؛ عملکردی؛ به‌وسیله محدوده خدماتی؛ زیست‌محیطی؛ به‌وسیله فضاهای با ترافیک آرام، روان و کیفیت بالای زیست‌محیطی [۲۴، ص ۱۶]. در این پژوهش، موقعیت محله با دو بعد کالبدی- فیزیکی و غیرکالبدی- اجتماعی و در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (گزینه کاملاً نادرست عدد یک و گزینه کاملاً درست عدد پنج) سنجیده شده است. بعد کالبدی: عناصر کالبدی شهر نظیر ساختمان‌ها و زیرساخت‌های شهری و... و به تعبیر گاتمن فضای مصنوعی (کالبدی). در این تحقیق، بعد کالبدی محله شامل تنوع کاربری، نورپردازی و سهولت دسترسی می‌شود. بعد غیرکالبدی: بعد اجتماعی شکل شهر، با آرایش فضای ساختی و ارتباطات متقابل ویژگی‌های انسان‌هایی که آن را می‌سازند، از آن استفاده و بافت شهری را دارای ارزش می‌کنند، سروکار دارد [۱۶، ص ۳۷]. در این تحقیق، شامل روابط همسایگی، احساس تعلق به محله و شهرت محله می‌شود.

**اعتماد:** فوکویاما (۱۹۹۵) اعتماد را به صورت انتظاری تعریف می‌کند که در جامعه‌ای با رفتار منظم، مشارکتی، مشروع و بر پایه هنجارهای مشترک روی بخشی از اعضای جامعه رخ می‌دهد [۲۳، ص ۴۸۸]. از سوی دیگر، هاردین بر نقش اصلی نهادها به‌مثابه ایجادکننده اعتماد اجتماعی تأکید دارد [۳۱، ص ۲]. طبق دیدگاه پاتنام (۱۹۹۳) اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است که مشارکت و همکاری را تسهیل می‌کند. در واقع، اعتماد سطح اطمینان مردم نسبت به یکدیگر است مبنی بر اینکه دیگران طبق انتظار عمل می‌کنند و آنچه می‌گویند قابل اطمینان است و به قول و قرارها پایبندند. اعتماد در این پژوهش با سه بعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد تعمیم‌یافته سنجیده شده است.

اعتماد بین‌شخصی به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران است که

میزان آن در افراد براساس طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. اعتماد بنیادی به معنای نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌کند و موجب تقویت تفکری می‌شود که افراد و امور جهان قابل اعتمادند و بر استمرار و ثبات آن صحنه می‌گذارد. این اعتماد به فرد خاصی وابسته نیست و جهت‌گیری کلی اعتماد افراد را می‌سازد و از تجربه‌های انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد. در واقع، اعتماد به افراد خارج از شبکه‌های اجتماعی تثبیت‌شده اشاره می‌کند. برای سنجش این میزان اعتماد افراد از طیف لیکرت استفاده شده است. اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود و براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (گزینه خلیلی کم عدد یک و گزینه خلیلی زیاد عدد پنج) سنجیده شده است.

**نظم:** نظم در لغت به معنای آرایش، ترتیب و توالی است. معنای مفهومی نظم در حوزه‌های مختلف متفاوت و بسیار مبهم است، ولی در یک تعریف، نظم نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنش‌گران فردی و جمعی است [۴، ص ۱۱]. می‌توان نظم اجتماعی را مفهوم کلی قابل انطباق بر امنیت اجتماعی و صیانت و حفظ اعراض و اموال دانست. پس هر عملی که امنیت عمومی، حیات و شرافت و آزادی فردی و ناموس و اموال دیگری را مورد تعرض قرار دهد، نظم جامعه را بر هم زده است [۹، ص ۵۲]. نظم در این پژوهش با استفاده از دو بعد فیزیکی و اجتماعی و براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (گزینه خلیلی کم عدد یک و گزینه خلیلی زیاد عدد پنج) سنجیده شده است. معرف‌های نظم اجتماعی عبارت‌اند از: وجود افراد بی‌سرپناه در محله، کم‌بودن قابلیت نظارت و کنترل از سوی مردم، مصرف مواد الکلی و مشروبات، پرسه‌زنی افراد ولگرد و... و معرف‌های نظم فیزیکی نیز عبارت‌اند از: وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها، ریخت‌وپاش بودن محله و...

**امنیت:** امنیت در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است. از نظر ماهوی، امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است. امنیت دو بعد ذهنی و عینی دارد. در بعد عینی، امنیت به معنای فقدان تهدید برای ارزش‌های کسب‌شده است و در بعد ذهنی مشتمل است بر نبود هراس از اینکه آن ارزش‌ها مورد حمله قرار بگیرد [۱۴، ص ۹۴]. احساس امنیت: در فضاهای شهری احساس امنیت به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با هم‌شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و... است که خود بیانگر سازمان‌یافتگی، قانون‌مندی و باثبات بودن جامعه است [۸، ص ۵۴]. احساس امنیت اجتماعی: احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از این ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و همچنین نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود [۱، ص ۶۱]. احساس امنیت اجتماعی در این پژوهش در چهار بعد امنیت

مالی، امنیت جانی، امنیت فکری و جمعی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (گزینه کاملاً مخالف عدد یک و گزینه کاملاً موافق عدد پنج) سنجیده شده است.

**احساس امنیت مالی:** منظور از احساس امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است، تا جایی که این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نگیرد [۱۰، ص ۳۴]؛ یعنی فقدان ترس و نگرانی از ربه‌شدن اموال و وسایل شخصی زنان در درون فضاهای شهری است. احساس امنیت جانی: منظور از احساس امنیت جانی احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی در مقابله با تهدیدات بیرونی (اعم از دولتی، اجتماعی، محیطی و بهداشتی) است که وجود و کیفیت سلامتی‌اش را به خطر اندازد [۴، ص ۳۶]. حالتی است که در آن زنان فارغ از ترس آسیب‌رسیدن به جان و مال یا آرزوی خود یا از دست‌دادن آن‌ها زندگی کنند. هرگونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد، امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد [۱۰، ص ۳۶]. احساس امنیت فکری: امنیت فکری به ثبات نسبی عقاید، آرا و دیدگاه‌های فرد درباره افراد و پدیده‌ها، معنای نمادها و به‌طور کلی معنا در نظر فرد مربوط می‌شود [۱۱، ص ۵۶]. درواقع امنیت فکری از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرامش‌بخش) به معنای فقدان ترس و نگرانی در ابعاد فکری و ذهنی در زنان است و این در محیط اجتماعی به معنای آرامش خاطر و آسودگی ذهنی زنان از ترس خاص آنان از تجاوز جنسی و حمله به قصد عمل جنسی یا خشونت و... در درون فضاهای شهری است که برجسته و مورد تأکید است. احساس امنیت جمعی: به شرکت آزادانه زنان در گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب و فعالیت‌های اجتماعی اشاره دارد؛ به‌گونه‌ای که از سوی دولت یا دیگر گروه‌های اجتماعی مورد تهدید و تبعیض قرار نگیرند.

**معرفه‌های احساس امنیت:** گذر از کوچه‌های فرعی محله در ساعات‌های خلوت، آراستن کودکان به زیورآلات در خارج از منزل، سرقت طلا و جواهرات شخصی‌تان، همراه‌بودن یک مرد برای انجام‌دادن کار خود در شب، عبور از کنار فضاهای خالی از سکنه و نیمه‌کاره در شهر، امتناع از قدم‌زدن در محله به دلیل حضور افراد ولگرد، شنیدن اخبار ناگوار در مورد مزاحمت و تعرض به زنان و دختران، عبور از پیاده‌روهای پوشیده‌شده با درختان و...

## روایی و پایایی شاخص‌ها

برای محاسبه اعتبار از اعتبار صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه به استادان راهنما و مشاور ارائه شد. در مرحله بعد، پس از تعیین درستی و نادرستی عبارات، مقیاس‌ها و پرسش‌ها به صورت پرسش‌نامه‌ای تنظیم و پیش‌آزمون شدند. درخصوص پایایی، مهم‌ترین شاخص سازگاری درونی «آزمون ضریب آلفای کرونباخ» است که برای پرسش‌نامه به‌کاررفته در پژوهش ۷۰ درصد به بالا به دست آمد که نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مدنظر است. بدین ترتیب، این پژوهش قابلیت اعتماد و پایایی لازم را دارد.

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
احساس امنیت اجتماعی	۰/۸۵	۲۱
موقعیت محله	۰/۸۴	۲۱
نظم	۰/۷۸	۱۲
اعتماد	۰/۸۱	۱۹

## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی: ویژگی‌های آزمودنی‌ها

براساس یافته‌های حاصل از سنجش سن، گروه سنی بین ۱۸ تا ۲۸ حدود ۲۶ درصد از پاسخ‌گویان، گروه سنی بین ۲۹ تا ۳۹ سال حدود ۴۸/۱ درصد از پاسخ‌گویان، گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال حدود ۱۳ درصد از پاسخ‌گویان، گروه سنی ۵۱ تا ۶۱ سال حدود ۱۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان و گروه سنی ۶۲ و بالاتر ۰/۷ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. از جنبه تحصیلی، به ترتیب ۳/۷ درصد زنان مطالعه‌شده بی‌سواد، ۱۹/۶ درصد سیکل، ۳۵/۹ درصد دیپلم، ۲۰/۷ درصد کاردانی، ۱۴/۴ درصد کارشناسی، ۱۵/۲ درصد از پاسخ‌گویان کارشناسی ارشد بودند و ۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان میزان تحصیلات خود را اعلام نکردند. از جنبه وضعیت تأهل، ۱۷/۴ درصد پاسخ‌گویان مجرد، ۵۴/۸ درصد متأهل، ۱۲/۲ درصد بدون همسر بر اثر فوت و ۱۵/۶ درصد از پاسخ‌گویان بدون همسر بر اثر طلاق بودند. در نتیجه، بیشترین پاسخ‌گویان (یعنی ۱۴۸ نفر) متأهل بودند. از جنبه وضع فعالیت پاسخ‌گویان، ۲۵/۶ درصد شاغل، ۵۳/۷ درصد خانه‌دار، ۲/۶ درصد بازنشسته، ۱۰ درصد بیکار، ۷/۸ درصد دانشجو بودند و ۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان وضعیت فعالیتشان را اعلام نکردند. از جنبه مدت سکونت در محل، حداقل مدت اقامت پاسخ‌گویان در محله یک سال و حداکثر مدت اقامت ۵۵ سال بوده است. میانگین طول اقامت کل پاسخ‌گویان ۱۷/۴۷ سال در نظر گرفته شده است.

### یافته‌های استنباطی: آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۵ از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به قرار ذیل است.

**فرضیه اول:** بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان ساکن در دو محله (ونک و سرآسیاب) رابطه معنادار وجود دارد.

در بررسی نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی به تفکیک مناطق به این نتیجه می‌رسیم که رابطه بین دو متغیر در سرآسیاب قوی‌تر است. به عبارتی،

ضریب پیرسون برابر با ۰/۳۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان‌دهنده رابطه‌ای مستقیم و قابل قبول است. ولی در ونک ضریب پیرسون برابر با ۰/۲۶ در سطح اطمینان ۰/۰۰۴ نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت و قابل قبول است؛ یعنی هرچه افراد درک مثبت‌تری از موقعیت محله خود داشته باشند و محله خود را خوب ارزیابی کنند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

**فرضیه دوم: بین بعد کالبدی- فیزیکی محله و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.**

با توجه به نتایج به دست آمده، رابطه بین بعد کالبدی و احساس امنیت در محله سرآسیاب قوی‌تر است. به عبارتی، ضریب پیرسون برابر با ۰/۵۴۱ در سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه‌ای مستقیم و قابل قبول است، ولی در ونک ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۷۷ در سطح اطمینان ۰/۰۳۰ نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت و ضعیف است؛ یعنی از نظر زنان ساکن در محله سرآسیاب هرچه تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها بیشتر باشد، سهولت دسترسی به حمل‌ونقل و کمک‌های امدادی و همچنین نورپردازی بیشتر باشد، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و این در صورتی است که این عوامل از نظر زنان ساکن در محله ونک در افزایش احساس امنیت آن‌ها چندان تأثیرگذار نیست.

**فرضیه سوم: بین بعد غیرکالبدی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.**

با توجه به نتایج به دست آمده، رابطه بین بعد غیرکالبدی- اجتماعی و احساس امنیت در هر دو محله معنادار است. در محله سرآسیاب، ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۲۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۳۰ نشان‌دهنده رابطه‌ای مستقیم و قابل قبول است و در ونک ضریب پیرسون برابر با ۰/۱۵۹ در سطح اطمینان ۰/۰۳۴ نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت و مستقیم است؛ یعنی هرچه احساس تعلق به محله و روابط همسایگی بین زنان بیشتر باشد و محله شهرت خوبی داشته باشد، زنان احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

**فرضیه چهارم: بین نظم و احساس امنیت اجتماعی زنان در دو محله (ونک و سرآسیاب) رابطه معنادار وجود دارد.**

با توجه به نتایج به دست آمده، رابطه بین نظم و احساس امنیت در محله ونک قوی‌تر است؛ به عبارتی در محله ونک ضریب پیرسون برابر با ۰/۶۸۱ در سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۰۰ و در سرآسیاب ضریب پیرسون برابر با ۰/۳۵۳ در سطح اطمینان ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت است. بنابراین، هرچه زمین‌های خالی و مخروبه، ساختمان‌های خالی از سکنه و پنجره‌های شکسته، دیوارنویسی، انباشتگی زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون، افراد بی‌خانمان و معتاد، گروه‌های خلاف‌کار، فروش مواد مخدر و مشروبات کمتر و آراستگی و نظافت محله و روشنایی بیشتر باشد، زنان در محله خود احساس امنیت بیشتری خواهند کرد.

**فرضیه پنجم: بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.**

در بررسی نتایج آزمون همبستگی، بین اعتماد و احساس امنیت در هر دو محله رابطه معناداری وجود دارد. در محله ونک ضریب پیرسون برابر با ۰/۴۵۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ و در سرآسیاب ضریب پیرسون برابر با ۰/۳۵۲ در سطح اطمینان ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت و مستقیم است. به این معنا که میزان احساس امنیت زنان ساکن در دو محله تحت تأثیر اعتماد اجتماعی است. در واقع، ارزش‌های مشترک مستحکم، پیوندهای اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی بالا در میان ساکنان محله‌ها می‌تواند باعث توسعه اعتماد و در نتیجه افزایش میزان احساس امنیت در زنان ساکن در دو محله شود.

جدول ۲. آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی فرضیه‌های پژوهش

منطقه	متغیرهای وارد شده	Beta	T	Sig
ونک	مقدار ثابت		۴,۳۷۰	۰,۰۰۰
	بعد کالبدی	۰,۱۵۹	۴,۴۷۶	۰,۰۰۰
	بعد غیر کالبدی	۰,۱۰۹	۱,۴۳۷	۰,۰۰۱
	نظم فیزیکی	۰,۵۱۸	۱۱,۳۴۸	۰,۰۰۰
	اعتماد تعمیم‌یافته	۰,۱۵۳	۲,۳۵۷	۰,۰۲۰
	اعتماد بین‌شخصی	۰,۴۱۸	۶,۵۷۲	۰,۰۰۰
	اعتماد بنیادی	۰,۱۰۳	۲,۰۸۶	۰,۰۳۹
سرآسیاب	مقدار ثابت		۰,۱۳۹	۰,۰۰۰
	بعد کالبدی	۰,۵۸۳	۸,۲۶۵	۰,۰۰۰
	بعد غیر کالبدی	-۰,۲۰۳	-۰,۲۰۰	۰,۰۰۲
	نظم اجتماعی	۰,۲۷۰	۳,۵۵۸	۰,۰۰۱

هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص کردن سهم و تأثیر مؤلفه‌های موقعیت محله (بعد کالبدی- فیزیکی و غیر کالبدی- اجتماعی)، نظم (اجتماعی و فیزیکی) و اعتماد اجتماعی (تعمیم‌یافته، بنیادی و بین‌شخصی) در تعیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. براساس نتایج حاصله، که به روش رگرسیون چندمتغیره هم‌زمان انجام یافته است، می‌توان گفت که متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) در محله ونک بیشتر متأثر از نظم فیزیکی و اعتماد بین‌شخصی و در سرآسیاب بیشتر متأثر از بعد کالبدی موقعیت محله است. در معادله رگرسیون مقدار ضریب تعیین در محله ونک برابر است با  $R=۰/۶۳$ ، به این معنا که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۶۳ درصد احساس امنیت اجتماعی زنان محله ونک را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۳۷ درصد نیز به عواملی دیگری که در این پژوهش نیامده است وابسته است. همچنین در محله سرآسیاب ضریب تعیین برابر است با  $R=۰/۴۵$ ، به این معنا که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۴۵ درصد احساس امنیت زنان ساکن در محله سرآسیاب را تبیین کنند و ۵۵ درصد نیز به عوامل دیگری که در این پژوهش نیامده است وابسته است.

جدول ۳. رگرسیون چندمتغیره برای تعیین سهم عوامل مختلف بر میزان احساس امنیت اجتماعی

رابطه‌ها	محلّه	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطهٔ موقعیت محلّه و احساس امنیت	ونک	۱۳۵	۰٫۲۶۱	۰٫۰۴
	سرآسیاب	۱۳۵	۰٫۳۳۵	۰٫۰۰۱
رابطهٔ بعد کالبدی- فیزیکی و احساس امنیت	ونک	۱۳۵	۰٫۱۷۷	۰٫۰۳۰
	سرآسیاب	۱۳۵	۰٫۵۴۱	۰٫۰۰۰
رابطهٔ بعد غیر کالبدی- اجتماعی و احساس امنیت	ونک	۱۳۵	۰٫۱۵۹	۰٫۰۳۰
	سرآسیاب	۱۳۵	۰٫۱۲۳	۰٫۰۳۴
رابطهٔ بین میزان نظم و احساس امنیت	ونک	۱۳۵	۰٫۶۸۱	۰٫۰۰۰
	سرآسیاب	۱۳۵	۰٫۳۵۳	۰٫۰۰۰
رابطهٔ بین میزان اعتماد و احساس امنیت	ونک	۱۳۵	۰٫۴۵۳	۰٫۰۰۰
	سرآسیاب	۱۳۵	۰٫۳۵۲	۰٫۰۰۰

### بحث و نتیجه گیری

امروزه، پیش از هر زمان دیگر مقامات محلی نگران امنیت شهری‌اند. در واقع، اقدامات در زمینهٔ امنیت اکنون نیازمند سیاست‌های شهری گسترده‌تری است. فضاهای شهری نقش بسزایی در ارتقای سطح رفاه اجتماعی شهروندان، به‌ویژه زنان به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر، دارند. در این پژوهش، بعد از شناسایی موقعیت محلّه ونک و سرآسیاب، جهت پاسخ‌دادن به چگونگی و میزان تأثیر آن‌ها بر احساس امنیت جمعیت مطالعه‌شده فرضیه‌هایی را عنوان کردیم. این مفروضات از واکاوی ادبیات نظری مربوط به موقعیت محلّه و احساس امنیت استنتاج شده‌اند. مفروضات نظری حاضر متضمن رابطه‌ای منطقی بین موقعیت محلّه از طریق ایجاد نظم و اعتماد بر احساس امنیت زنان است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حضور زنان محلّه ونک و سرآسیاب در فضاهای عمومی و محلّه خود که قابلیت استفادهٔ همگانی را دارند به دور از مخاطرات نیست و نتایج حاصل از پرسش‌نامهٔ تکمیل‌شده در محلات ونک و سرآسیاب مؤید این نکته است که بین موقعیت محلّه و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطهٔ معناداری وجود دارد. به این معنا که هر چقدر پاسخ‌گویان موقعیت محلّه خود را خوب ارزیابی کنند و درک بهتری از آن داشته باشند، احساس امنیت آن‌ها بالاتر است. سارا ستوده (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ویژگی‌های کالبدی محلّه (اعم از ساختار محلّه، نحوهٔ دسترسی‌ها، کیفیت ساختمان‌ها، تعداد طبقات و...) و نحوهٔ روابط اجتماعی ساکنان محلّه بر احساس امنیت آن‌ها تأثیرگذار است. از آنجا که در این پژوهش موقعیت محلّه به صورت دو بعد کالبدی- فیزیکی و غیر کالبدی- اجتماعی در نظر گرفته شده است، رابطهٔ بین بعد کالبدی و غیر کالبدی با متغیر وابسته بررسی



شد که وجود رابطه معنادار و مستقیم میان دو بعد و احساس امنیت اجتماعی زنان در هر دو محله را نشان می‌دهد؛ در حالی که این رابطه در بعد کالبدی- فیزیکی در محله سرآسیاب قوی‌تر از ونک است، در بعد غیر کالبدی- اجتماعی این رابطه در هر دو محله ضعیف و نزدیک به همدیگر است. یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که تأثیر بعد کالبدی موقعیت محله در سرآسیاب بر میزان احساس امنیت زنان بیشتر است. بعد کالبدی موقعیت محله با مؤلفه‌های اختلاط کاربری، نورپردازی و سهولت دسترسی سنجیده شده است. نتایج نشان داد که همه مؤلفه‌های بعد کالبدی با احساس امنیت اجتماعی زنان در محله ونک و سرآسیاب ارتباط معناداری دارند؛ به طوری که هرچه نورپردازی، سهولت دسترسی و اختلاط کاربری کیفیت بالاتری داشته باشند، بر احساس امنیت زنان دو محله تأثیر مثبت می‌گذارند. همچنین، بررسی انجام گرفته در رابطه با بعد غیر کالبدی- اجتماعی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین این بعد از موقعیت محله و همه مؤلفه‌های آن با احساس امنیت زنان در هر دو محله وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که هرچه محله شهرت و خوشنامی بیشتری داشته باشد، میزان احساس امنیت زنان آن محله بالاتر می‌رود که این امر در هر دو محله معنادار است. همچنین، زمانی که روابط همسایگی بین زنان بیشتر باشد، احساس امنیت آنان بالاتر می‌رود که این رابطه در هر دو محله معنادار و نزدیک به همدیگر به دست آمد. در آخر، هرچه میزان حس تعلق به محله بیشتر باشد، احساس امنیت زنان بالاتر می‌رود که در ونک این رابطه مستقیم و مثبت به دست آمد. در حالی که در سرآسیاب این ارتباط معکوس و ضعیف گزارش شد. جکوبز معتقد است محله‌هایی که کاربردهای متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند، نسبت به محله‌های تک کاربری امن‌ترند. نواحی چندکاربردی در طول روز و شب شهروندان را به خود جلب و نظارت رسمی را فراهم می‌کنند و فعالیت مجرمان در اماکن خلوت بیشتر جریان می‌یابد. یکی از تأثیرات اختلاط اجتماعی، این است که مردم در زمان‌های مختلفی در خیابان هستند. نتایج مطالعات انجام شده از سوی استین و همکارانش (۲۰۰۲) و آرای جکوبز (۱۹۶۱) تأیید این یافته را در مطالعه انجام شده در دو محله به دنبال داشت.

طبق نظر اسکوگان، پین و هینکل (۲۰۰۵) و جیمز کیو ویلسون و جورج کلینگ (۱۹۸۲)، بی‌نظمی اجتماعی شامل مواردی از قبیل فعالیت باندها، وجود محله‌های شلوغ و پرسروصدا، افراد بی‌خانمان، مصرف مواد الکلی، ولگردی و پرسه‌زنی است. در حالی که بی‌نظمی فیزیکی مواردی چون وندالیسم و خانه‌های بی‌سکنه، ریخت‌وپاش بودن محل، ساختمان‌های رها شده و... را شامل می‌شود. از نظر وی، هر دو نوع بی‌نظمی بیانگر از هم گسیختگی نظم اجتماع بوده و بنابراین به بی‌سازمانی اجتماعی و احساس ناامنی منجر می‌شود. همچنین، از دیدگاه پارسونز نظم اجتماعی در افزایش احساس امنیت افراد نقش دارد. همبستگی بین دو متغیر میزان نظم و احساس امنیت اجتماعی زنان فرضیه دیگری بود که

در این پژوهش به دنبال آزمون آن بودیم که رابطه بین همه ابعاد میزان نظم (فیزیکی و اجتماعی) با همه ابعاد احساس امنیت اجتماعی (جانی، مالی، فکری و جمعی) معنادار و مستقیم شد. همچنین، نتایج رابطه ابعاد این دو متغیر نشان داد که در محله ونک نظم فیزیکی بیشترین میزان همبستگی را با احساس امنیت فکری دارد. بدین معنا که هر اندازه نمای بیرونی ساختمان‌ها موزون‌تر، ساختمان‌های نیمه‌کاره کمتر و کوچه‌ها عریض‌تر احساس امنیت فکری زنان بیشتر می‌شود و در محله سرآسیاب نظم اجتماعی بیشترین میزان همبستگی را با احساس امنیت مالی دارد. بدین معنا که هر اندازه نظارت و کنترل از سوی مردم بیشتر باشد و مأمور یا گشت‌زن در محله حضور داشته باشد و افراد بی‌سرپناه در محله نباشند و مزاحمتی از سوی همسایه‌ها مشاهده نشود، میزان احساس امنیت مالی بیشتر می‌شود.

رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی یکی دیگر از فرضیه‌هایی است که از دل چارچوب نظری پژوهش حاضر، با تمرکز بر نظر گیدنز و روس و جانگ و پژوهش‌های مریم مختاری و همکاران (۱۳۹۱)، بیرون کشیده شده است. بنابراین، در این پژوهش، برای آزمون همبستگی بین این دو متغیر، ابعاد سه‌گانه اعتماد (تعمیم‌یافته، بنیادی و بین‌شخصی) با ابعاد چهارگانه احساس امنیت (جانی، مالی، فکری و جمعی) سنجیده می‌شود. طبق آزمون‌های گرفته‌شده رابطه همه ابعاد اعتماد اجتماعی با سه بعد احساس امنیت جانی، مالی و فکری معنادار شد، ولی با احساس امنیت جمعی معنادار نشد. برای مثال، در محله ونک اعتماد بین‌شخصی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت جانی دارد و در محله سرآسیاب اعتماد بین‌شخصی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت جانی دارد.

#### بر اساس مطالب و یافته‌های مندرج در این نوشتار پیشنهاد می‌شود:

- پلیس و نیروی‌های امنیتی برای افزایش نظم اجتماعی و از میان راندن کجروی‌ها به اجرای طرح‌های فراگیر مبادرت ورزند؛
- دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی به نوسازی و بهسازی محله و احداث خیابان‌ها و کوچه‌های منظم و استاندارد در محله بپردازند؛
- تشویق مردم به مشارکت در امر پیش‌گیری از وقوع جرم و تقویت حس اعتماد بین مردم و دستگاه‌هایی که به پیش‌گیری از وقوع جرم می‌پردازند، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

#### منابع

- [۱] افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵). «امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۲] تانکیس، فران (۱۳۹۰). *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- [۳] جیکوبز، جین (۱۳۸۸). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ / امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- [۴] چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی، چ ۴.
- [۵] رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۹). «جامعه‌شناسی خشونت ورزشی»، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۶] رضوان، علی؛ فتحی، منصور (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری؛ در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی *رفاه اجتماعی*، س ۱۲، ش ۴۵.
- [۷] ستوده، سارا (۱۳۹۰). «بررسی امنیت شهروندان در محلات شهری (نمونه موردی: محله جلفه در اصفهان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی گرایش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه هنر اصفهان.
- [۸] صانعی، پرویز (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*، تهران: جار.
- [۹] صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «بهنجار نظم و نابهنجار رفتار»، فصل‌نامه *دانش/انتظامی*، ش ۱، ص ۵۳.
- [۱۰] صمدی بگه‌جان، جمیل (۱۳۸۴). «امنیت اجتماعی در شهر سنندج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ص ۳۴.
- [۱۱] عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر؛ رحمانی فیروز‌جاه، علی (۱۳۸۹). «محله‌ها و روابط همسایگی، مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم براساس رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی سپمسون و گراوز در تبیین انحرافات اجتماعی»، فصل‌نامه تخصصی *علوم اجتماعی*، دوره ۲، ص ۵۶.
- [۱۲] عربی، ف. (۱۳۸۴). *بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان هشت شهر (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد)*، در مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، ج ۳، تهران: آشنایی.
- [۱۳] فجری، حسینعلی (۱۳۸۵). «دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان‌های محله‌ای برای نظم اجتماعی»، فصل‌نامه پژوهشکده فرهنگ و هنر، ش ۲، ص ۲۲.
- [۱۴] فرشادفر، یاسین؛ نیازی، محسن (۱۳۸۹). «رابطه بین هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان (مطالعه موردی زنان مناطق شمال (۲ و ۱) و جنوب (۱۹ و ۲۰) شهر تهران»، فصل‌نامه *مطالعات جامعه‌شناختی/ایران (علمی- پژوهشی)*، ش ۳، ص ۶۱-۷۸.
- [۱۵] مختاری، مریم و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج»، فصل‌نامه *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ش ۲، ص ۲۱-۴۰.
- [۱۶] مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری*، ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- [۱۷] معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۸] نوروزی، فیض‌اله؛ فولادی‌سپهر سارا (۱۳۹۲). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن»، فصل‌نامه *راهبرد*، ش ۵۳، زمستان.

- [۱۹] نویدنیا، منیژه (۱۳۸۳). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۶، ش اول.
- [۲۰] ورسلی، پیتر (۱۳۷۸). *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- [۲۱] هاگت، پ. (۱۳۷۹). *جغرافیا؛ ترکیبی نو (جلد دوم)*، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: سمت.
- [22] Austin, D. M., & Furr, L.M., Spine, M. (2002). The Effects of Neighborhood Conditions on Perceptions of Safety, *Journal of Criminal Justice*, 30(5): PP 417-427.
- [23] Batt, P. J. (2008). Building Social Capital in network, *Industrial Marketing Management*, PP 487-491.
- [24] Barton, H. et al. (2003). *Shaping neighborhoods*, newyork, Spon press, pp:71.
- [25] Baur, J. (2007). fear of crime the impact of age, victimization , perceived vulnerability to victimization and neighborhood characteris, A vailable from [www.Acpr.Gov.au/pdf/ACPR-16](http://www.Acpr.Gov.au/pdf/ACPR-16).
- [26] Bell, w. (1998). Women and community safety .south Australlia, bell Planning, *Journal of research in crime and delinquency*, vol 40.
- [27] Ferquson, k. M., & Mindel, C. It (2007). Modelling fear of crime in Dallas neighborhoods: A test of social capital theory, *crime and Delinquency*, No:53, PP:322-349.
- [28] Hinkle, J, C. (2005). the ampact of Disorder on fear of crime: A test of the first link of Broken windows, Master of Art Dissertation. university of Maryland.
- [29] Malcom, A. (1998). Fear is Target in this War an crime, *New York times*, March 24.
- [30] Pain, R. H. (1997). Social geographies of women's fear of crim, *Transactions of the institute of British Geographers New Series*, 22(2), pp:231-244.
- [31] Rubal, M., & Voces, C. (2007). Aonfidence in Institutions and Social trust, Paper prepared for the ECPR joint session, Helsinki, finland Escolar Galega de administracion Publica Rua de Madrid ,pp:2-4.
- [32] Sampson, R. J. et al. (1997). Neighborhoods and violent crime: A multinevel study of collective efficacy, *science* No.9, pp:18-24.
- [33] Stanko, E. (1992). Gender, personal softy and fear of crime, *Journal of Women and criminal*, vol20, No6.